

تقابل شهر ایرانی - اسلامی با چالش‌های شهری هزاره سوم

جمیله توکلی نیا^۱، حسن محمدیان مصمم^{۲*}، سعید ضرغامی^۳، قهرمان رستمی^۴

^۱ دانشیار گروه جغرافیای انسانی و آمایش، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
^۲ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
^۳ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
^۴ دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۶/۱۴

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۱/۱۸

چکیده

در هزاره سوم (با نام سده شهر و شهرنشینی)، از یکسو نیروهای صنعتی و علمی سترگی پا به عرصه زندگی نهاده‌اند که فرصت‌های منحصری به جهانیان ارزانی داشته‌اند و از دیگر سو، نشانه‌هایی از زوال در شهرها، به ویژه شهرهای اسلامی، به چشم می‌آید که حتی در تاریخ‌ترین دوره تمدن بشری دیده نشده است. بر این پایه، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش اسنادی و رویکرد تفسیری، تلاش کرده تا ضمن تبیین چالش‌های شهری هزاره سوم در چهار بُعد محیط‌زیستی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی، به بررسی ماهیت شهر اسلامی و ویژگی‌های آن بپردازد و در پایان، راه کارهای شهر ایرانی-اسلامی در تقابل با این چالش‌ها را شناسایی و ارائه کند. نتایج پژوهش، حاکی از آن است که شهر ناب ایرانی-اسلامی از ویژگی‌های منحصربه‌فردی از جمله محله‌های خوداتکا با کاربری مختلط و پیاده‌محور، عدالت محیط‌زیستی، عدم تبعیض و عدالت‌محوری، تنوع، عدم تفکیک فضایی، طبیعت‌گرایی، مسکن مناسب و در استقلاعت، معماری خاص و سازگار با اقلیم، امنیت پایدار، مشارکت و همبستگی اجتماعی، تکثرگرایی، اجتناب از زیاده‌روی و اسراف و جاری بودن سنت‌ها و احکام گوناگون تقلیل و ریشه‌کن کردن فقر برخوردار است که می‌توانند در اغلب موارد در برخورد با چالش‌های شهری هزاره سوم موفق عمل نمایند.

واژگان کلیدی: شهر ایرانی-اسلامی، هزاره سوم، چالش‌های شهری.

ذهن نگارندگان شکل گرفت: ۱- چالش‌های اصلی شهری هزاره سوم که متوجه شهرهای ایرانی-اسلامی هستند، کدام‌اند؟ (۲) آیا شهر ایرانی-اسلامی ویژگی‌های منحصر به فردی برای تقابل با این چالش‌ها دارد؟ بر این اساس، هدف این مقاله پاسخگویی به پرسش‌های مزبور و نیز ارائه راهکارهایی برای مقابله با چالش‌های گریبانگیر شهر ایرانی-اسلامی یا از میان برداشتن این چالش‌ها، در هزاره سوم است.

پیشینه پژوهش و چارچوب نظری

در اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیستم، بحث و پژوهش نظام‌مند در خصوص «شهر اسلامی» با کارهای مکس وبر^۱ جامعه‌شناسی آلمانی آغاز گردید. او به مطالعه تاریخ اجتماعی-اقتصادی و سیاسی آسیای شرقی و اروپای غربی پرداخت و چارچوبی برای تحلیل و طبقه‌بندی شهرها، ارائه داد. وبر با به کارگیری منابعی محدود (به ویژه دو جلد کتاب اسنوک هورگرونج^۲) و با برشمردن ویژگی‌هایی همچون استحکامات، بازار، محکمه و قانون نسبتاً مستقل، وجود فرم‌هایی از انجمن، و خودمختاری و استقلال نسبی کلیسا برای شهرها (Weber, 1966) مدعی بود که شهرهای آسیا، اجتماعات شهری نیستند. با اثربرداری از دیدگاه‌های وبر، دو رویکرد متفاوت نسبت به شهرهای اسلامی شکل گرفت. حامیان رویکرد نخست بر این باورند که مسلمانان (به استثنای تغییرات جزئی) چیز نوینی به شهرها اضافه نکرده و در واقع ویژگی‌های شهرهای سنتی مناطق فتح شده را بدون دگرذیسی فضایی عمده حفظ نموده‌اند. بنابراین نمی‌توان از چیز نوینی به اسم شهر اسلامی نام برد. افرادی همچون ویلیام مارکیز^۳، ویرث، هورانی و فن گرونباوم^۴ از حامیان اصلی این رویکردند. هورانی و گرونباوم مدعی هستند که شهرهای اسلامی دقیقاً بسان شهرهای قرون وسطایی بوده و ویرث، مکان همیشگی بازار را تنها تفاوت بین شهرهای اسلامی و شهرهای شرقی می‌داند (YILDIZ, 2011). به بیان کلی حامیان این رویکرد، این شهرها را فاقد خودمختاری، و استمرار تاریخی و دارای ساختار سست و بی‌قاعده می‌دانند (پوراحمد و موسوی، ۱۳۸۹: ۳).

از دیگر سو، ایده‌های وبر همچون سلسله مراتب اصناف و میادین و بخش‌های خودکفای شهری (محلات) توسط پژوهشگران فرانسوی از قبیل برادران ماکیز^۵، ویلیام و جورجس^۶ و لوئیس مسیقنون^۷ توسعه یافت و جانی دوباره گرفت با این تفاوت که آن‌ها وجود شهر اسلامی را نفی نمی‌کردند. ویلیام مارکیز^۸ (۱۹۲۸) معتقد بود که اسلام فی‌الذات در پیوند با زندگی شهری است و دینی شهری است (Pinto, 2014) و اسلام به عنوان مذهب شهرها برای توسعه خود و اجرای آئین‌های مذهبی نیازمند زندگی شهری است. جورجس مارکیز نیز اسلام را دینی شهری می‌دانست و مورفولوژی شهرهای اسلامی را ترسیم

اگرچه روند شتابان شهرنشینی در سده اخیر، فرصت‌های بی‌ظییری برای دهکده جهانی و به‌یژه شهرنشینان در حوزه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جز آن فراهم آورده، ولی از دیگر سو، نشانه‌هایی از زوال به چشم می‌آید که حتی در تاریخ‌ترین دوران تمدن بشری هم دیده نشده‌اند. گسترش شدید فقر و فاصله طبقاتی و نابرابری، تبعیض فضایی و شهر تقسیم‌شده، زاغه‌نشینی، تغییرات اقلیمی و... تنها بخشی کوچک از نشانه‌های این زوال‌اند. این چالش‌آفرینی، حتی گریبانگیر برخی شهرهای کشورهای پیشرفته شده است. در چند دهه گذشته، برای حل این مسائل و نیز دست‌یابی به رهیافت بدیل توسعه شهری، معادلات اقتصادی و اجتماعی در شهرها دچار تحولی ژرف شده و پاره‌ای از جهان‌بینی‌ها و ایدئولوژی‌های حاکم بر زندگی شهروندان و برنامه‌ریزان شهری کشورهای شمال دستخوش تغییر شده است؛ به طوری که در حال حاضر، بازخورد این تغییرها در نظام شهرنشینی این کشورها، چرخش‌گاه‌هایی تاریخی را می‌نمایاند که سکونت و زندگی امروزی در شهرها، بازگشت به سنت‌های گذشته را نوعی ارزش مطلوب و بهینه تلقی می‌کند. از جمله این دیدگاه‌ها می‌توان به شهر پایدار، اقتصاد سبز، نوشهرگرایی^۱ و رشد هوشمند^۲ و شهر سالم^۳ اشاره نمود که گام‌هایی استوار و امیدوارانه در جهت تعدیل و حل مشکلات شهری حاضر برداشته‌اند و موفقیت‌هایی چشمگیر نیز کسب نموده‌اند.

در این میان، شهرهای ایرانی-اسلامی نیز با اثربرداری از دگرگونی‌های جهانی، چالش‌های مشابه و یا حتی بزرگ‌تر را تجربه می‌کنند. با وجود اینکه این شهرها، زمانی در کانون تحولات اقتصادی-سیاسی^۴ جهان^۵ قرار داشتند؛ اما با سپری کردن دوره بلندمدت زوال در طی سده‌های ۱۱ تا ۱۹ و با بضاعت و تأثیرگذاری اندک وارد فرایندهای جهانی شده‌اند. به بیانی، با وجود آنکه ویژگی‌های کالبدی، تاریخ، فرهنگ و سنت زندگی شهرهای ایرانی-اسلامی بر برخی مبانی استوار بوده که اینک در رویکردها و انگاره‌های نوین برنامه‌ریزی و طراحی شهری ارزش محسوب می‌شوند، اما با تأثیرپذیری از فرهنگ غربی و سرمایه‌داری و موجی از برنامه‌ریزی به اصطلاح نوین و مدرن و نیز سبکی متفاوت از زندگی گذشته، دگرگون گردیده و شهرهایی شکل گرفته و آفریده شده‌اند که به آسانی میراث تاریخی و ویژگی‌های منحصر خود را از دست داده و اصل زندگی اسلامی را به فراموشی سپرده‌اند.

بر این اساس، پژوهش حاضر، ضمن بررسی ماهیت شهر سنتی ایرانی-اسلامی و هم‌چنین چالش‌های پیش روی این شهر در هزاره سوم درصدد است که با استفاده از ویژگی‌های اصیل این شهرها، رهیافت‌هایی برای حل چالش‌های این گونه شهرها ارائه دهد. در این راستا، دو پرسش به عنوان سؤال‌های پژوهش در

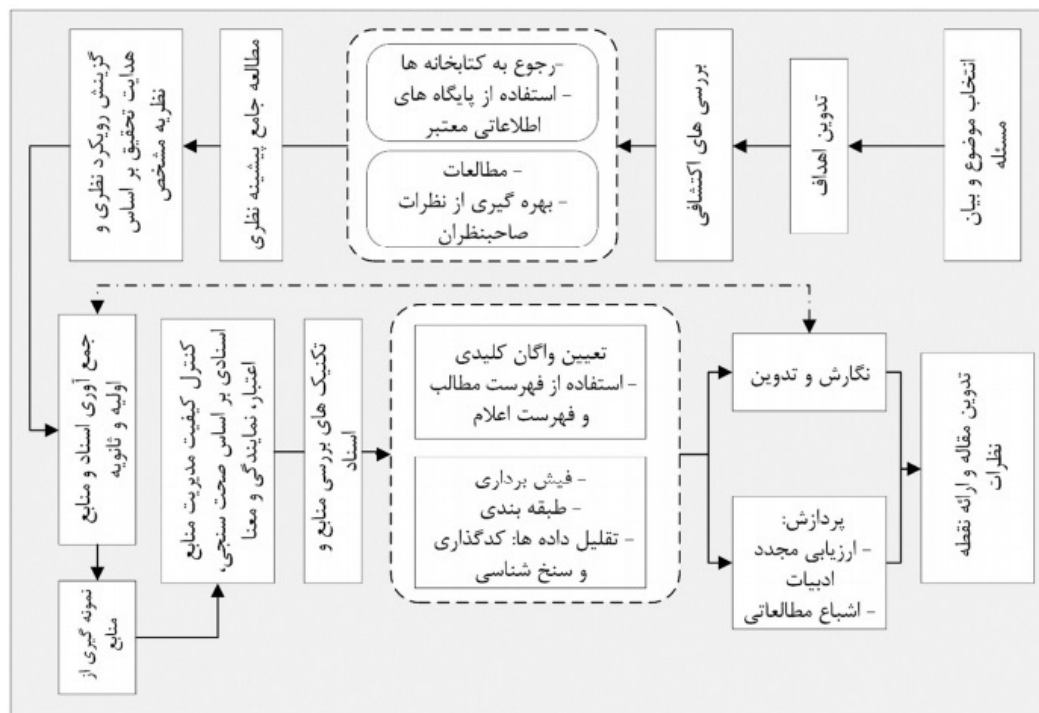
کرد. به طور کلی می‌توان گفت که حامیان این رویکرد که اغلب تاریخ‌نگاران فرانسوی بودند با مطالعه (و در واقع پوشش) تعدادی از شهرهای شمال آفریقا (به ویژه تونس و مراکش) شهر اسلامی را صرفاً برابند دین می‌دانستند و به آن الگوی کالبدی ثابتی نسبت می‌دادند که در آن جدایی بخش‌های تجاری و مسکونی، شبکه‌های خیابان نامنظم، محلات خوداتکا و در ستیز، و مجموعه‌ای خاص از بناهای عمومی (مسجد جامع، بازار و حمام) به چشم می‌خورد (Aldous, 2013). تا دهه ۱۹۶۰ این دیدگاه تا همین اواخر ادامه داشت تا اینکه با انتقادهای فراوانی مواجه گشت (Çelik, 1999). آرتور استراس^{۱۴} و کلاد کاهن^{۱۵} این ایده که شهرهای اسلامی سازمان‌های خودمختار ندارند را به چالش کشیده و کاهن تفکیک فرهنگ اسلامی از سایر جهان را مورد نقد قرار داد و ایرا لاپیدوس^{۱۶} ماهیت شهر اسلامی را به عنوان فرایندی اجتماعی و نه به عنوان ماهیتی کالبدی، تشریح کرد (Lapidus, 1984). از دیگر نقادان «فرمول شهر اسلامی» جنت ابولوقد^{۱۷} در سال ۱۹۸۷ بود که به واسازی مدل تقلیلی «شهر اسلامی» شرق شناسان پرداخت و به تفاوت الگوهای زندگی روزمره، فضاهای جنسی شده و تفکیک عرصه‌های عمومی و خصوصی پرداخت (Abu-Lughod, 1987). او عواملی همچون قوانین اسلامی و سیستم‌های سیاسی و تکنولوژی‌های تولید و سازمان اجتماعی را در چنین افتراقی دخیل دانست. آندره ریموند نیز پنداشت شرق شناسان از شهر اسلامی به عنوان تجلی فضایی صرفاً دینی را نقد کرد. نتیجه کار ابولوقد برانگیختن مشارکت پژوهشگرانی از رشته‌های مختلف همچون ویرث^{۱۸} (جغرافیدان) و ایکل من^{۱۹} (مردم‌شناس) در عرصه شهر اسلامی بود. با وجود تمامی تلاش‌ها هم‌اکنون نیز رویکرد و مدل قابل کاربست‌تر و مورد اجماع در مورد شهر اسلامی وجود ندارد و در میان پژوهشگران داخلی و هم‌چنین ایران‌شناسان قرابت به رویکرد کالبدمحور و دین‌محور نسبت به شهر اسلامی که یادگار مستشرقین آلمانی و فرانسوی است دیده می‌شود. برای نمونه، اهلرز در تفاوت شهر اسلامی با سایر شهرها به کارکردها و سیما و بافت کالبدی شهر اسلامی اشاره دارد (اهلرز، ۱۳۷۳). مومنی به نقش و عملکرد بازار به عنوان تفاوت با سایر شهرها تاکید دارد (مومنی، ۱۳۷۸). شکویی آسیب نرساندن، پیوستگی به هم، خلوت‌گزینی، حق دریافت روشنایی و هوای مورد نیاز و محترم شمردن اموال دیگران را از ویژگی‌های شهر اسلامی ذکر می‌نماید (شکویی، ۱۳۷۴: ۱۸۸). رحیمی و بمانیان نیز با الهام از دیدگاه‌های افرادی چون برادران مارکیز بر نقش غالب دین در شهر اسلامی تمرکز کرده‌اند. به طوری که، رحیمی شهر اسلامی را بازتاب ایدئولوژی نظام‌های حاکم بر آن و تجلی فضایی اندیشه‌های متعالی دین اسلام در تمامی جوانب و زوایای آن می‌داند (رحیمی، ۱۳۸۳: ۹۰) و بمانیان معتقد است که شهر

ایرانی اسلامی حاصل اعتقادات اسلامی در پهنه و گستره ایران است (بمانیان، ۱۳۹۳: ۸۶).

در حقیقت «شهر اسلامی» مفهومی پویاست، و مکان-ویژه نیست و امکان مفهوم‌سازی استاندارد و مورد اجماع از آن وجود ندارد. به بیانی نمی‌توان تعریف، رویکرد و مدلی تقلیل‌گرا و استاندارد از آن برای تحلیل و بررسی چنین شهرهایی در گستره سرزمین‌های اسلامی به کار گرفت. این شهر فرآورده‌ای نسبتاً ناهمگن و برابند ورود جهان‌بینی اسلامی و برهمکنش آن با سطح تمدنی، سازمان‌های سیاسی و اجتماعی و تکنولوژیکی گوناگون در کشورهای مختلف است. بر این اساس، اگرچه به هنگام مطالعه شهر اسلامی در پاره‌ای از موارد و به ویژه در عرصه کالبدی به شباهت‌هایی در بین کشورهای اسلامی برخورد می‌شود، ولیکن تحلیل ژرف‌تر آنها نشان از افتراق مکانی و شکل‌گیری چشم‌اندازهای نسبتاً منحصر به فرد دارد. بر این اساس در این پژوهش برای مطالعه شهر اسلامی تعریف واحدی از آن در پیش گرفته نشده و اعتقادی به رویکرد و مدلی تقلیل‌گرا و استاندارد از آن وجود ندارد، بلکه در بستر خود (یعنی ایران) و با نام شهر ایرانی-اسلامی بررسی شده است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر، یک پژوهش اسنادی با رویکرد تفسیری است. تحلیل اسناد و مدارکی که در بردارنده اطلاعاتی درباره پدیده مورد مطالعه است را تحلیل اسنادی می‌نامند (Bailey 1994). در روش اسنادی، پژوهش به دنبال واکاوی مقاصد ذهنی و ادراک انگیزه‌های پنهان یک متن نیست. به همین دلیل، نمی‌توان توسعه تکنیکی روش اسنادی را چندان به سنت هرمنوتیک متصل کرد. در این روش، پژوهشگر سعی می‌کند فهم مقاصد و انگیزه‌های اسناد و متون یا تحلیل‌های تاویلی یک متن را خارج نماید و آن را به عنوان زبان مکتوب و گفتمان نوشتاری بپذیرد و مورد استناد قرار دهد. بنابراین بستر معرفت‌شناختی و تکنیکی در روش اسنادی بیش‌تر به پارادایم تفسیری نزدیک است. در پارادایم تفسیری، واقعیت‌های اجتماعی ساخته دست انسان هستند. لذا توجه به معانی کنشگران اهمیت دارد. در نمودار شماره ۱ فرایند روش تحقیق اسنادی این پژوهش آورده شده است. به این ترتیب که بعد از گزینش رویکرد نظری، اسناد عمدتاً ثانویه جمع‌آوری شده و نمونه‌گیری از منابع صورت گرفته است. کنترل کیفیت منابع اسنادی بر اساس معیارهای صحت سنجی، اعتبار، نمایندگی و معنا بوده است. به منظور بررسی منابع و اسناد از تکنیک‌هایی همچون تعیین واژگان کلیدی، استفاده از فهرست مطالب و اعلام، فیش‌برداری، طبقه‌بندی، کدگذاری و سنخ‌شناسی بهره گرفته شده است.



نمودار شماره ۱: فرایند انجام پژوهش

بحث و یافته ها

بند بحث و یافته ها از دو بخش اصلی تشکیل شده است؛ در بخش نخست به چالش ها و مسائل پیش روی شهرها در هزاره سوم پرداخته شده و بخش دوم درصدد است که ضمن برشمردن ویژگی های اصیل شهرهای ایرانی-اسلامی، رهیافت هایی برای حل مسائل و گذار از چالش های این گونه شهرها ارائه دهد. راهکارهای ارائه شده عمدتاً برگرفته از ویژگی های منحصر به فرد شهر ایرانی-اسلامی است.

الف) هزاره سوم و چالش های پیش روی شهرها

هزاره سوم، عصر انقلاب فناورانه، افزایش سرعت و عمیق تر شدن اثرات جریان ها و الگوهای فراقاره ای تعامل اجتماعی (Held, & McGrew, 2002)، عصر سرمایه داری جهانی (Robertson, 1996)، تشدید روابط اجتماعی جهانی (Oncu & Weyland, 2002)، چندگانگی فرهنگی، عصر واگذاری حق حاکمیت دولت ملی به نهادهای سیاسی منطقه ای و بین المللی (Strange, 1996) و به طور کلی گسترش مقیاس، رشد اندازه، سرعت یافتن و تعمیق تأثیر فراقاره ای جریان ها و الگوهای تعامل اجتماعی است. ساکنان دهکده جهانی در هزاره سوم با فرصت ها و نیز چالش هایی بسیاری مواجه اند. از یکسو هزاره سوم با ساده تر شدن پراکنش پیشرفت های پزشکی و نیز فناوری های کشاورزی، افزایش درآمد و ثروت شهرها، گسترش رویکردهای معمول حاکمیت مردم سالاری و الگوهای نوین اداره مردمی، توسعه گردشگری، عدالت محیط زیستی، تسهیل روند مبادلات و پخش اطلاعات، افزایش آگاهی شهروندان و حقوق بشر همراه شده، اما از دیگر سو، بسیاری از مسائل ضروری هم چنان حل نشده باقی مانده است. در زیر به برخی از مهم ترین چالش های شهری در ابعاد محیط زیستی، اجتماعی، کالبدی و فرهنگی هزاره سوم اشاره شده است.

۱- چالش های محیط زیستی

- تغییر اقلیمی

هم اکنون تغییرات اقلیمی، مهم ترین نگرانی محیط زیستی جهانی است و شهرهای سراسر جهان الگوی اقلیمی موسوم به «تغییر اقلیم جهانی» را تجربه می کنند (Mosammam et al, 2016a). بسیاری از دانشمندان بر این باورند که مناطق شهری نیازمند غلبه بر رویدادهایی از جمله طولانی شدن دوره هوای گرم، کمبود آب، رخداد توفان و بلایای طبیعی خواهند بود. با وجود اینکه همه مناطق جهان در خطرند، اما پیش بینی های علمی نشان می دهند که مناطق شهری کشورهای جنوب و به ویژه شهرهای اسلامی منطقه خاورمیانه بیش تر تحت تأثیر قرار خواهند گرفت (صرافی و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۴).

- تخریب محیط زیست و کاهش منابع تجدید ناپذیر

مصرف بی رویه و بهره کشی بیش از حد از منابع محیط زیست در عصر مصرف گرایی شدید باعث از بین رفتن و یا ویرانی منابع محیط زیستی شده است (Icibaci, & Haas, 2011). اگرچه کشورهای غربی و توسعه یافته نقش بارزتری در تخریب محیط زیست ایفا می کنند، اما این تخریب در بیش تر کشورهای جهان سوم و نیز کشورهای مسلمان که بیش تر شهروندانشان آگاهی لازم درباره منابع زیست محیطی، محدودیت های آن ها و نیز حقوق محیط زیست ندارند، در حال افزایش است (Issa, & Al Abbar, 2015). افزایش شتابان جمعیت شهرها به همراه افزایش درآمد، به ویژه در کشورهای در حال توسعه و کشورهای حوزه قلمرو اسلامی، باعث کاهش منابع طبیعی شده است (مرکز سکونتگاه های انسانی سازمان ملل، ۲۰۰۱: ۲۴۷).

رشد شتابان جمعیت شهری

یکی از مهم‌ترین چالش‌های هزاره سوم روند شتابان رشد جمعیت شهری در جهان، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه است. با وجود اینکه در ۱۹۵۰، تنها ۲۶ درصد جمعیت جهان شهرنشین بودند، در سال ۲۰۰۷ این رقم به ۴۹ درصد رسید و در سال ۲۰۰۸ برای اولین بار در تاریخ، نسبت جمعیت شهرنشین جهان به ۵۰ درصد رسید. انتظار می‌رود که این روند ادامه پیدا کند و در سال ۲۰۳۰، نسبت جمعیت شهری جهان به ۷۰ درصد برسد. این به آن معناست که هر سال تقریباً ۷۰ میلیون نفر به جمعیت شهری جهان اضافه می‌شود که برابر است با ایجاد سالانه ۷ کلان‌شهر جدید. بر اساس برآوردهای بانک جهانی، ۸۸ درصد رشد کلی جمعیت جهان در مناطق شهری خواهد بود و ۹۰ درصد این رشد در جهان در حال توسعه رخ خواهد داد (World Bank, 1996).

فقر و حاشیه‌نشینی

رشد شهرهای بزرگ در جهان در حال توسعه با افزایش ناگهانی فقر شهری همراه شده است. هم‌اکنون شاهد شهری شدن فقر و زنانه شدن آن هستیم و بیش از یک میلیارد نفر در مناطق شهری زندگی می‌کنند که فاقد سرپناه مناسب بوده و به خدمات اساسی دسترسی ندارند. از سوی دیگر، ۳۰ تا ۶۰ درصد جمعیت شهرها در کشورهای با درآمد کم و میانه و در سکونتگاه‌های نارسای زندگی می‌کنند و درآمد آن‌ها از اشتغال غیررسمی است (UNDP, 2011: 5). تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که طی دوره ۱۹۸۵-۲۰۰۹ میزان نابرابری درآمدی در کشورهای اسلامی (به‌ویژه خاورمیانه و شمال آفریقا) به شدت افزایش پیدا کرده و این روند رابطه مستقیمی با افزایش فقر در این منطقه داشته است (Ncube, et al, 2014).

گسیختگی اجتماعی و زوال اجتماع

ایدئولوژی سرمایه‌داری و تکاپو برای نیل به نفع شخصی، فردگرایی، افزایش جریان‌های مهاجرت، افزایش اجتماعات مجازی و واقعی و تفکیک فضایی، اجتماعی و اقتصادی روز افزون ممکن است منجر به تکه‌تکه شدن شهرها و گسترش محلات منزوی و نابودی انسجام و همبستگی اجتماعی و شکل‌گیری گتوهای فقیر و غنی گردد. برای نمونه از دهه ۱۹۷۰ به بعد ساختار و کارکردهای خانواده در کشورهای حاشیه خلیج فارس با دگرپسندی‌های فراوانی مواجه شده و شهرها به عنوان یک کل افراد را از فضای مناسبات و روابط اجتماع محلی جدا نموده و فردگرایی و ارزش‌های مادی‌گرایی و منافع شخصی را ترغیب می‌نماید (El-Haddad, 2003).

تبعیض و بی‌عدالتی

طی چند دهه گذشته، بازساخت اقتصادی، مناطق شهری کشورهای در حال توسعه را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. در این میان اثرات چشمگیر آن متوجه بازار کار شهری بوده که نمایانگر قطبی شدن رو به رشد ساختارهای درآمدی و شغلی است

هر چه جهان در قرن ۲۱ جلوتر می‌رود، مسائل دشوار وابسته به آلودگی‌های ناشی از فعالیت‌های بشر و هم‌چنین مسئله انرژی به طور فزاینده‌ای شدت می‌گیرد. چالش آلودگی‌های محیط‌زیستی و هم‌چنین تأمین انرژی هم‌اکنون در همگی شهرهای دنیا و در تمام کشورها در هر سطح از توسعه یافتگی طاقت‌فرسا شده است. از پکن تا کلکته، از تهران [به عنوان یک مادر شهر بزرگ و معروف اسلامی] تا مکزیکوسیتی و از مسکو تا لس‌آنجلس، ساکنان شهری در معرض سطوح ناسالم آلودگی حاصل از مصرف انرژی قرار دارند. همزمان با آشکار شدن پیامدهای منفی مصرف انرژی فسیلی در سطح محلی، منطقه‌ای و جهانی، تقاضای انرژی به‌ویژه در شهرهای اسلامی همچنان رو به افزایش است (Nematollahi et al, 2016). این رشد وحشتناک در تقاضای منابع انرژی جدید در شهرهای سراسر دنیای در حال توسعه، قابل تشخیص است (مرکز سکونتگاه‌های انسانی سازمان ملل، ۲۰۰۱: ۲۴۷).

بحران آب و غذا

امنیت آب چالش بی‌سابقه‌ای پیش روی امنیت بشر گذارده است (UNDP, 2006) به گونه‌ای که موجود بودن و دسترسی به آب به عنوان یکی از چالش‌های اصلی توسعه پایدار در قرن ۲۱ نمایان شده است (Gleick, 2003, Conca, 2006; UNDP 2006). در آینده، به دلیل تغییرات جمعیتی، شهرنشینی و الگوهای مصرف غذا و امنیت آب، می‌تواند به طور بالقوه فراتر از یک مشکل باشد. از دیگر سو، فرایندهای جهانی شدن اثراتی عمیقی بر منابع آب در همه مقیاس‌ها از محلی گرفته تا بین‌المللی داشته است، یک جنبه جهانی شدن، بازاری شدن آب است. بازاری شدن آب می‌تواند به عنوان فرایند ایجاد زیربنای اقتصادی و سیاسی برای تلفی کردن آب به عنوان یک کالا، تعریف شود (Conca, 2006). فرایند بازاری شدن آب به دلیل تحولات اقتصادی نوآرادیخواه است. بازاری شدن آب اثری عمیق بر افراد و اجتماعاتی دارد که به آب مجانی وابسته‌اند و به آن دسترسی رایگان دارند (Barlow & Clarke 2002; Gleick et al, 2002).

علاوه بر بحران آب، برآوردهای اخیر نشان می‌دهد که در جهان، ۸۴۰ میلیون نفر ۱۲ درصد جمعیت جهان-توان تأمین نیازهای انرژی غذایی خود را ندارند^{۱۱} و بیش تر آنان (۸۲۷ میلیون نفر) در مناطق در حال توسعه زندگی می‌کنند (FAO, IFAD and WFP, 2013). این در حالی است که تقاضا برای غذا در جهان به شدت در حال افزایش است و پیش‌بینی می‌شود که تا نیمه اول سده حاضر تا ۷۰ درصد افزایش یابد (Burney et al. 2010: 12052-). این در حالی است که بحران آب و غذا یکی از مهم‌ترین مسائل شهرهای اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا بوده و این بحران‌ها تشدید خواهد شد (Antonelli, & Tamea, 2015).

(صرافی و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۵). علاوه بر این، طی چند سده گذشته، افزایش «بی‌عدالتی‌های محیط‌زیستی» و هم‌چنین بی‌عدالتی‌های فضایی در شهرها، موجب نابرابری بیش‌تر شده و باعث تقویت الگوهای فرق‌گذاری و تبعیض اجتماعی گردیده است.

- بزهکاری و کجروی

بزهکاری سازمان‌یافته، متنوع و جهانی شده و به نرخ‌های کلان اقتصادی رسیده است: کالاهای قاچاق از یک قاره آمده و در قاره دیگر فروخته شده و در قاره‌ای دیگر به مصرف می‌رسد. امروزه، مافیایا مشکلی فراملی هستند و تهدیدی برای امنیت (به‌ویژه در کشورهای فقیر و با درگیری داخلی) محسوب می‌شوند. مواد مخدر (در آمریکای مرکزی، خاورمیانه و غرب آفریقا)، همدستی میان شورشیان و گروه‌های جنایتکار، تقویت تروریسم و چپاول منابع طبیعی (در آفریقای مرکزی و جنوب‌شرقی آسیا، خاورمیانه)، قاچاق انسان و برده‌داری مدرن (در اروپای شرقی و هم‌چنین جنوب‌شرقی آسیا، خاورمیانه و آمریکای لاتین)، حمله سایبری، کلاهبرداری و دزدیدن اطلاعات شخصی و هویت اشخاص، حمله دزدان دریایی، کالاهای تقلبی و پول‌شویی از مهم‌ترین مسائل و چالش‌های پیش‌روی شهرهای دهکده جهانی [از جمله شهرهای اسلامی] هستند (United Nations Office On Drugs And Crime, 2010: 2).

- کاهش سلامت عمومی

در سده شهرنشینی شاهد تغییرات پرشماری در رفتار بشر هستیم که خطر بیماری‌ها را افزایش می‌دهد؛ به گونه‌ای که در حال حاضر، یکی دیگر از چالش‌های عظیم شهرها، کاهش سلامت عمومی و شیوع بیماری‌هایی همچون مرض چاقی، بیماری‌های قلبی عروقی، دیابت نوع ۲، ایدز و... است. برای نمونه، کشورهای حاشیه خلیج فارس در بین ۱۰ کشور نخست از نظر مرض چاقی هستند (Ono, 2005). علاوه بر این کشورهای خاورمیانه و منطقه شمال آفریقا رتبه دوم سریع‌ترین رشد دیابت در جهان را دارند و انتظار می‌رود تا سال ۲۰۳۵ تا ۹۶٫۲ درصد افزایش پیدا کند (International Diabetes Federation: 2013).

۳- چالش‌ها و مسائل فرهنگی

- سکولاریسم، هویت‌زدایی و بحران هویت

هویت فرهنگی، نگرش‌ها، الگوهای رفتاری، سبک زندگی، ساختارهای اجتماعی و هنجارهایی است که یک گروه را از دیگر افراد متمایز می‌سازد. این هویت به صورت موروثی و تعاملی از نسلی به نسل دیگر یا از جامعه‌ای به جامعه‌ی دیگر به وسیله عاملی به نام جهانی‌شدن، انتقال می‌یابد. در عصر جهانی‌شدن، فرهنگ غربی در حال تسلط یافتن بر جهان است. به بیانی دیگر، در نتیجه جهانی‌شدن، فرهنگ اسلامی با دو فرهنگ بیگانه تعارض پیدا کرده است: یکی فرهنگ رایج سکولار که با رسانه جهانی‌شده، اشاعه یافته و دیگری فرهنگ غربی که ارزش‌های

غربی را به جهان اسلام وارد کرده و به دنبال جایگزینی آن با ارزش‌ها و باورهای سنتی اسلامی و ارج نهادن به لذت مادی است. از این رو، یکی از تهدیدهای جدی متوجه شهرهای محلی، به‌ویژه شهرهای اسلامی پدیدار شدن بحران هویت و هویت‌زدایی محلی است. شکل‌گیری فرهنگ‌های جهانی در مادرشهرها، شکل عمده‌ای از تحول شهری است. فرهنگ‌های جهانی مادرشهری به عنوان مشترکات روزافزون میان مادرشهرهای بزرگ جهان اشاعه یافته که از جمله آن‌ها می‌توان به محیط‌های مصنوع، شیوه‌های خاص زندگی و فضاهای همسان تجاری اشاره کرد (شورت و کیم، ۱۳۹۳: ۱۸). شکل‌گیری فرهنگ‌های هیپی، پاپ، همجنس‌بازی و جز آن در قالب جهانی‌شدن فرهنگی شهرها را می‌توان یکی از تهدیدهای فرهنگی جهانی‌شدن برای فرهنگ شهرهای اسلامی و شهروندان آن بر شمرد.

- سبک زندگی ناپایدار و مصرف‌گرایی

مصرف‌گرایی و گسترش روزافزون اسراف، از نتایج دیگر جهانی‌سازی غربی است؛ چراکه نظام سرمایه‌داری غرب ماهیتاً گسترش طلب است و گرایش جهانی به دست‌یابی به بازار تولید و مصرف دارد؛ بنابراین به دنبال این است که با کمک ایدئولوژی یا فرهنگ مصرفی و تغییر تصورات مردم از هویت و نیازهای خود، آن‌ها را به مصرف‌کنندگانی در خدمت فرایند انباشت سرمایه تبدیل کند. این شیوه‌ی زندگی، به شدت کشورهای جهان سوم را تهدید می‌کند (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۱۰۳). از آنجایی که مصرف و مصرف‌گرایی مربوط به کالاهای جهانی، یکی از عوامل دگرگونی و تحول شهرها و شهروندان شهرهای اسلامی و سایر شهرهای جهان سوم است، بسیاری از دانشمندان حوزه جهانی‌شدن باور دارند که بین مصرف و هویت ارتباط فزاینده‌ای وجود دارد (رک، شورت و کیم، ۱۳۹۳: ۱۳۵). در واقع، نفوذ فراگیر بازار در زندگی روزمره، منجر به ظهور و تسلط هویت‌های مصرفی شده است (Du Gay, 1996:100). در شهرهای مسلمان‌نشین حاشیه خلیج فارس مسکن به نماد مصرفی مبدل شده و شاهد رشد روزافزون مصرف‌گرایی، مادی‌گرایی و منافع شخصی هستیم (Alnajjar, 1996).

۴- مسائل و چالش‌های کالبدی

- گسترش محله‌های فرودست شهری

سریانه مناسب برای رفاه فیزیکی و روان‌شناختی و پایداری اجتماعی اجتماعات بسیار ضروری و واجب است. طی دهه‌های گذشته در بسیاری از شهرها و به‌ویژه شهرهای کشورهای در حال توسعه، فرم‌ها یا شکل‌های فضایی به‌وسیله تلاش‌های خانوارهای کم‌درآمد برای تأمین مسکن در استطاعت تحت تأثیر قرار گرفته است (صرافی و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۶). نمود فضایی این موضوع، گسترش محله‌های فرودست شهری و فقدان مسکن

و سریناه مناسب است که به عنوان یکی از مهم ترین چالش های شهری جهان و به ویژه جهان اسلام نمایان گردیده است.

- منطقه بندی فضایی نوین و تفکیک فضایی

در هزاره سوم، ارتباط میان نابرابری و فضای شهری، دیگر تنها به تقسیم بندی ساده جامعه به دو گروه ثروتمند و تهیدست، آن گونه که در قرن ۱۹ شاهد بودیم خلاصه نمی شود، بلکه باعث منطقه بندی، تقسیم بندی و فرق گذاری یا تبعیض شهری به شکل امروزی می شود. این امر، دستاورد غیرمستقیم، اما اصلی جهانی شدن است. نابرابری در مقیاس گسترده به عنوان پدیده جهانی شدن معروف به قطبی شدن، در نظر گرفته می شود که دارای چهار جنبه آشکار است: ۱- افزایش نسبت جمعیت ثروتمندان و تهیدستان ۲- افزایش فاصله اقتصادی میان آن ها ۳- افزایش تمایز میان گروه هایی که میان ثروتمندان و تهیدستان جای می گیرند ۴- تفاوت شدیدتر بین خود این گروه ها. این چهار جنبه در فرایند شکل گیری شکاف طبقاتی، در فضای کالبدی شهرها و به ویژه در تقسیم بندی نواحی مسکونی دیده می شوند و الگویی مجسم می کنند که «تقسیم های چهارگانه» نامیده می شود. یکی از جلوه های بارز رشد ناهمگن، ایجاد «شهر تقسیم شده» است. در درون شهرهای همه منطقه های جهان، تقریباً شاهد افزایش میان ثروتمندان و تهیدستان هستیم که نمونه های آن را در همزیستی میان منطقه های تجاری فعال، محله های ثروتمند و آلونک ها یا محله های فرسوده و اقامتگاه های متروکه می توان مشاهده نمود (مرکز سکونتگاه های انسانی سازمان ملل، ۲۰۰۱: ۷۵).

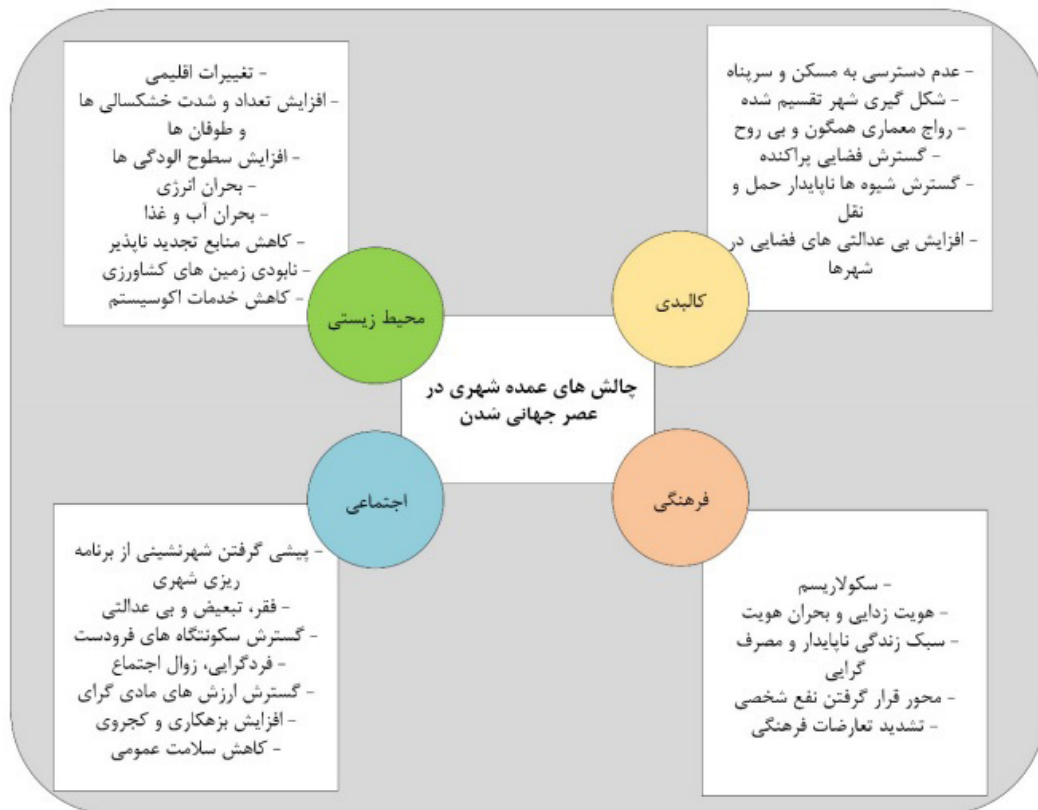
- معماری همگون

رواج معماری مدرن و پست مدرن در شهرهای بزرگ سیاره زمین این شهرها را مشابه هم درآورده است (شورت و کیم، ۱۳۹۳: ۱۸). این امر موجب شده است که میراث کالبدی، هویت منحصر به فرد و معماری بومی بسیاری از شهرهای جهان به سرعت نابود شوند.

- پراکنده رویی و حمل و نقل ناپایدار

در حال حاضر، گسترش فضایی کم تراکم و ناپیوسته و در پی آن، وابستگی به خودرو شخصی، شهرها را با چالش های بزرگ اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و کالبدی مواجه کرده است. این الگوی گسترش فضایی شهر پیامدهای ناگوار بسیاری از قبیل نابودی زمین های کشاورزی و تنوع زیستی، تخریب اکوسیستم ها، کاهش کمیت و کیفیت آب، انتشار گازهای گلخانه ای، افزایش سیلاب و هزینه های زیرساختی، کاهش همبستگی و انسجام، زوال مراکز شهری، ازدحام ترافیک و قطبی شدن و افزایش نابرابری ها را به دنبال خواهد داشت. با این حال، چنین الگوی گسترش فضایی، در برخی از شهرهای ایران روند غالب توسعه کالبدی شهرها می باشد (Mosammam et al, 2016b).

چالش های شهری هزاره سوم که در بالا به شکل جزئی به آن ها اشاره شد و در بیشینه شهرهای جهان و هم چنین شهرهای اسلامی خاورمیانه، شمال آفریقا، آسیای مرکزی و قفقاز و جنوب و جنوب غربی آسیا کم و بیش به چشم می خورد، در نمودار شماره ۲ در قالب نمودار، نشان داده شده اند.



نمودار شماره ۲: چکیده مهم ترین چالش های شهری (به ویژه در شهرهای اسلامی) هزاره سوم؛ مأخذ: نگارندگان

ب) شهر اسلامی و مقابله با چالش‌های شهری هزاره سوم

همان‌طور که بحث شد، شهر اسلامی نه تنها باید شهری باشد که از لحاظ کالبدی متناسب زیست انسان مؤمن و تسهیل‌گر اجرای فرایض و احکام دینی باشد، بلکه احکام و فرایض دینی بایستی توسط شهروندان آن اجرا شود. تنها در این صورت است که می‌توان نام شهر اسلامی بر آن نهاد. بر این اساس در این بخش برای گذار از چالش‌های هزاره سوم، علاوه بر راهکارهای برگرفته از خصیصه‌های کالبدی شهر اسلامی، به احکام و فرایض دینی نیز اشاره می‌گردد. احکام و فرایضی که در صورت عمل به آن بسیاری از چالش‌های جهانی قابل حل است.

۱- در عرصه محیط‌زیست

در شهرهای ایرانی-اسلامی، کالبد شهرها تا حدود زیادی سازگار با اقلیم بوده است. این امر بیش‌تر در شهرهای واقع در مناطق گرم و خشک دیده می‌شود. یکی از ویژگی‌های شهرهای این مناطق ترکیب شهر و باغ^{۲۲} و محله‌های روستایی بوده است. محلات روستایی به وسیله باغ‌ها از شهر و از یکدیگر جدا می‌شدند. زمین‌های کشاورزی و باغات لابه‌لای محلات روستایی و در تلطیف هوای گرم و خشک شهر بسیار موثر بودند. از نمونه‌های چنین شهرهایی طبس و یزد را می‌توان نام برد (توسلی، ۱۳۹۱). علاوه بر آن، شکل معماری سازگار با محیط و شکل گنبدی بام‌ها جوابگوی گرمای تابشی و پس دادن گرمای شبانه است و ایجاد بادگیرها جهت خنک نمودن بلوک‌ها و بناها در شهرهای کاشان، بغداد و شهرهای تونس را می‌توان بیان داشت. علاوه بر این کشاورزی شهری، محله‌محوری، کاربری ترکیبی، بافت فشرده و عدم پراکنده‌رویی، تسلط شیوه‌های حمل‌ونقل پایدار (به‌ویژه پیاده) و به تبع آن، کاهش آلودگی‌ها، از ویژگی‌های شهر ایرانی-اسلامی است که می‌تواند برای حل چالش‌ها مؤثر واقع شود. نمونه‌ای از چنین شهرهایی، شهر نایین است، به طوری که سازمان ارتباطی شهر را گذرگاه‌های اصلی عمود بر هم تشکیل داده که در مسیرگذرگاه‌ها و یا در تقاطع آنها مرکز محلات قرار گرفته است. این شهر با مرکز شهر، هفت محله، هفت مرکز محله و گذرهای اصلی ارتباط دهنده میان مراکز به صورتی خوانا، ساختاری مبین اقلیم و فرهنگ را نشان می‌دهد (توسلی، ۱۳۹۱: ۸۳).

۲- در عرصه اجتماعی

- فقر: اسلام همواره مدافع محرومان است و شاید هیچ ایدئولوژی‌ای در جهان، مانند اسلام از محرومان دفاع نکرده است؛ چنانچه در قرآن کریم (بقره/۱۷۷) آمده است: «نیکوکاری بدان نیست که روی به جانب مشرق یا مغرب کنی، چه این چیز بی‌اثری است. لیکن نیکوکار کسی است که به خدای عالم و روز قیامت و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیغمبران ایمان آورد و دارایی خود را در راه دوستی خدا به خویشاوندان و یتیمان و فقیران و رهگذران و در راه ماندگان و هم خود در راه آزاد کردن بندگان

صرف کند». در قرآن کریم، فقیران و کسانی که در معرض فقر و تنگدستی هستند، مانند ایتم، مورد سفارش قرار گرفته‌اند و در مقابل، توانگران به رعایت حال آن‌ها و پرداخت حقوق مستمندان سفارش و در صورت تخلف، تهدید شده‌اند: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةَ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ: صدقات، تنها به تهی‌دستان و بینوایان و متصدیان [گردآوری و پخش] آن و کسانی که دلشان به دست آورده می‌شود و در راه آزادی بردگان و وامداران و در راه خدا و به درمانده، اختصاص دارد. [این] به عنوان فریضه از جانب خداست و خداوند، دانای حکیم است». (توبه/ ۶۰). در شهرهای اسلامی انسجام و همبستگی اجتماعی، سرمایه اجتماعی بالا، وجود سنت‌های نیک و خیرانه در میان ساکنان و خمس و زکات و... نقش چشمگیری در کاهش فاصله طبقاتی و فقر ایفا می‌کند.

- گسیختگی اجتماعی، اجتماع و مشارکت: در بسیاری از محله‌های شهری، گروه‌های غنی، متوسط و کم درآمد در کنار یکدیگر زندگی می‌کردند و در مواقع بحرانی، همه گروه واحدی را تشکیل می‌دادند که در برابر عوامل خارجی، کمابیش به صورت یکپارچه عکس‌العمل نشان می‌دادند. در برخی از شهرهای تولیدی - بازرگانی، شکل‌گیری فضای اجتماعی برخی از محله‌های مسکونی نیز بر پایه همبستگی‌های صنفی و حرفه‌ای استوار بود (سلطان‌زاده، ۱۳۶۵: ۲۳۷-۲۳۸). عواملی چون ساختارهای خانوادگی گسترده، حریم شخصی، تفکیک جنسیتی و تعامل اجتماعی نیرومند به وضوح در شکل ساختمانی متراکم خانه‌های حیاط‌دار متجلی است. روابط اجتماعی میان گروه‌های اجتماعی و محل‌ها مورد سفارش بوده است (محمدی و شیخ‌بیگللو، ۱۳۸۷: ۳۹۱-۳۹۲). بر اساس اصل وحدت، امت اسلامی در شهر و روستا بایستی دارای انسجام و اتحاد اجتماعی باشند. «قرآن کریم در سوره بقره، آیه ۲۱۳ دلالت دارد که امت، جماعتی است که دارای مقصد واحد و هدف یکسان باشد که همین هدف، رابط وحدت بین آن‌هاست و مرزهای دولت اسلامی، مرزهای عقیدتی است نه مرزهای اصطلاحی. اسلام به گونه‌ای استثنایی، همسایه‌داری را به مثابه ستون فقرات امت اسلامی می‌داند و اخلاق همسایگی را در دو اصل مهم بیان می‌دارد: الف) روابط مستحکم همسایگی و ب) حفظ حقوق همسایگان (مرتضی، ۱۳۸۷: ۵۲). در شهرهای اسلامی ساکنان محله به محل زندگی خود علاقه و وابستگی خاصی داشته‌اند. در این مورد لاپیدوس می‌گوید: «اجتماع محلی جنبه مهمی از زندگی شهری مسلمانان باقی می‌ماند» (دانتون، ۱۳۸۳: ۴۱). «جامعه‌ای که مبتنی بر محله‌های همگن از لحاظ اجتماعی، مطابق با اشتراکات قومی یا قبیله‌ای، مذهب، تجارت یا پیروان سیاسی و مذهبی بود و اگرچه انجمن‌های مستقل اقتصادی وجود نداشت؛ ولیکن، پیوندهای مستحکم در محله‌ها برقرار بود»

(Lapidus, 1984: 39). اسلام علاوه بر تشریح قوانین سعادت بخش و کارآمد، در بُعد اجرا نیز همه مردم را به مشارکت و تعاون دعوت کرده است. امیرالمؤمنین (ع) پس از بیان حقوق متقابل حکومت و مردم و نقش مراعات و عدم رعایت آن در ظهور فساد اجتماعی می‌فرماید: «فَعَلَيْكُمْ بِالتَّصَاحُحِ فِي ذَلِكَ وَحَسِّنِ التَّعَاوُنَ عَلَيْهِ... وَلَكِنَّ مِنْ وَاجِبِ حُقُوقِ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ النَّصِيحَةَ بِمَبْلَغِ جُهِدِهِمْ وَالتَّعَاوُنَ عَلَى إِقَامَةِ الْحَقِّ بَيْنَهُمْ» (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۷): تلاش خیرخواهانه و دلسوزانه و همکاری و مشارکت در اجرای حق در میان بندگان خدا و جامعه بشری، از حقوق واجب الهی بر انسان‌ها و از تکالیف آنان است. آنگاه حضرت بیان می‌فرمایند که هیچ حکومت و حاکمی فوق آن نیست که از مشارکت مردم بی‌نیاز باشد و هیچ فردی کمتر از آن نیست که از این گردونه کنار نهاده شود: «و لیس امرؤ و إن عظمت فی الحق منزلته و تقدمت فی الدین فضیلتیه بفوق أن یعان علی ما حمله الله من حقه و لا امرؤ و إن صغرتہ النفوس و قبحتمته العیون بدون أن یعین علی ذلک أو یعان علیهم» (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۷). مردم، حاکم بر سرنوشت خویش اند و در برابر سرنوشت اجتماعی خویش مسئول‌اند و آنگاه که بخشی از آن را به حکومت واگذار می‌کنند، باید اهلیت حاکمان را احراز کنند: «إن الله یأمرکم أن تؤدوا الامانات الی أهلها» (نساء/ ۵۸) و بزرگ‌ترین خیانت، خیانت در این امانت است: «إن أعظم الخیانه خیانه الأئمة» (نهج البلاغه، نامه ۲۶). کما اینکه زشت‌ترین غش، غش به امام و رهبر صالح عادل است. حاکمیت مردم بر سرنوشت اجتماعی خویش، هم حق است و هم تکلیف چنان‌که ولایت حاکم صالح الهی نیز هم حق است و هم تکلیف و این دو با هم منافاتی ندارند. به طور کلی، می‌توان گفت که مشارکت در امور شهر و کنش در حوزه عمومی از اصول بنیادین دین مبین اسلام است. با وجود این، متأسفانه در شهرهای اسلامی سنتی، آن‌طور که شایسته است مشارکت مردمی و کنش سیاسی و مدیریت جمعی توسعه شهری چندان محقق نگردید. حاکمان، تعیین‌کننده شکل اداره شهر بودند. مشارکت مردم یا نمایندگان آن‌ها نیز تابع خواست و تأیید حاکمان بوده است. فردمحوری در اداره شهر و غلبه رأی حاکم یا امیر ساکن در شهر بر آرای سایر مدیران شهری نظیر کلانتر و داروغه، ریيسان اصناف، قضات و کدخدایان محله‌ها، ویژگی بارز مدیریت شهر اسلامی است. در این شرایط مشارکت مردم در اداره شهر خود، به روش شورایی فراهم نمی‌شود. بیومنت در بررسی شیوه اداره شهر اسلامی در خاورمیانه «شکل حکومتی شهر اسلامی را جنبه غیرعادی آن» می‌داند و می‌نویسد: تا اواخر قرن نوزدهم، هیچ شورایی عهده‌دار کلیهی مسئولیت‌های اداره شهر نبود. اگرچه ممکن بود جمعیت شهر در مواقع دفاع به هم ملحق گردند، اما احساس همشهری‌گری در میان ساکنان آن نسبت به اروپای غربی عموماً ضعیف‌تر بود» (بیومنت و همکاران، ۱۳۶۹: ۲۵۶).

به‌طورکلی، می‌توان گفت که اگرچه در شهرهای اسلامی سنتی، مشارکت مردمی در اداره امور شهر آن‌طور که شایسته است محقق نگردید؛ اما این به معنای تعارض اسلام و مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود در شهرها نیست، بلکه همان‌طور که ذکر آن رفت بسیاری از پیامبران و امامان، بر لزوم مشارکت مردم تأکید نموده‌اند و مشارکت از بنیادی‌ترین خصیصه‌های شهر ناب اسلامی است.

- امنیت: از نیازهای اولیه جوامع بشری است و رشد و پیشرفت جوامع در سایه امنیت اجتماعی محقق می‌گردد. در اسلام توجه ویژه‌ای به مقوله امنیت شده است. در سوره بقره، آیه ۱۲۶ آمده: «ابراهیم گفت: ای پروردگار من، این شهر را جای امنی گردان و از مردمش آنان را که به خدا و روز قیامت ایمان دارند، از هر ثمره روزی سزا». در آیه فوق بلافاصله پس از امنیت، اعتقاد مردم شهر مطرح می‌شود. شهری امنیت دارد که عقاید آن با شرک و بت‌پرستی تهدید نشود و آنان بتوانند موحد و خدانشناس باشند. در شهر اسلامی حاکم شدن منافع همگانی بر نفع فردی، شکاف طبقاتی کم، تکثرگرایی، تنوع و همه‌شمولی شهر و هم‌چنین جدایی فضای عمومی و خصوصی، تفکیک جنسیتی، وجود برج و بارو و استحکامات و مهم‌تر از همه جاری بودن احکام و فرایض الهی نقش چشمگیری در برقراری امنیت و هم‌چنین بزهکاری اندک ایفا می‌نمود.

- عدالت محوری و عدم تبعیض: اسلام، برای ایجاد جامعه‌ای سالم که در آن، برادری و برابری، مهر و محبت، صفا و صمیمیت، عشق و دوستی حاکم باشد، از همه پیروان خود خواسته که در تمام مراحل زندگی، عدالت را رعایت کنند و هرگز از مسیر عدل خارج نشوند. در سوره نساء می‌خوانیم: «یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقیسط شهداء لله و لو علی أنفسکم أو الوالدین و الأقربین» (نساء/ ۱۳۵): ای مؤمنین نگاه‌دار عدالت باشید و برای خدا موافق حکم خدا گواهی دهید، هر چند بر ضرر خود یا پدر و مادر و خویشان شما باشد. اسلام برای تأمین عدالت اجتماعی، هر نوع تبعیض و محرومیت را منع کرده و همه مؤمنان را برادر همدیگر می‌داند: «إنما المؤمنون إخوة» (حجرات/ ۱۰): همانا مؤمنین با هم‌دیگر برادرند. اسلام، به این مطلب توجه فراوانی دارد که روابط اجتماعی، بر اساس عدل باشد؛ از این‌رو، حقوقی برای همه افراد وضع کرده است که حق خدا، پدر و مادر، فرزند، همسر، همسایه، یتیم، فقیر و جامعه را شامل می‌شود. اسلام، برنامه اقتصادی خود را بر اساس عدالت وضع کرده است و بر حاکم اسلامی واجب نموده که عدالت را در تمام زمینه‌های اقتصادی و با تمام وسایل ممکن گسترش دهد و از هر نوع ظلم و تجاوز اقتصادی، مانند ربا، احتکار و کم‌فروشی، منع کرده؛ با وضع قوانین جزایی، دستور مجازات متخلفان را صادر نموده است. یکی از آموزه‌های وحیانی دین اسلام مبارزه با تبعیض نژادی است. خداوند در قرآن با تفاخرها و امتیازات نژادی به شدت مقابله کرده است. «یا ایها الناس إنا خلقناکم من ذکر و أنثی و جعلناکم

و حق نزدیکان را بپرداز و (هم چنین) مستمند و وامانده در راه را و هرگز اسراف و تبذیر مکن؛ چرا که تبذیرکنندگان برادران شیاطین اند، و شیطان کفران (نعمت‌های) پروردگارش کرد.

۴- در عرصه کالبدی

- مسکن: در دین مبین اسلام، مسکن نه تنها باید شرایطی را داشته باشد تا خانواده‌ها از نظر اقتصادی توان تهیه آن را داشته باشند، بلکه باید شرایطی را دارا باشد که بتواند به عنوان محل امن و سکنی و آرامش انسان ایفای نقش کند و این آشکارا برگرفته از کلام الهی است که می‌فرماید: «اللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا» (نحل/۸۰)؛ و خدا برای سکونت شما منزل‌هایتان را قرار داد. تهیه مسکن، حق هر شخصی در محیط سنتی اسلام بود. با این حال چنانچه این حق، منجر به ممانعت از ورود هوا و نور طبیعی به منازل دیگران می‌شد، در آن صورت دیگر حق مسلم نبود (Ibin, 1983: 145).

به عبارتی اصول طراحی مسکن در شهر ایرانی - اسلامی برگرفته از اصول و اعتقادات اسلامی و ارزش‌های فرهنگی ایرانی است. چنین اصولی در طول تاریخ شهر ایرانی - اسلامی در شهرها قابل مشاهده است. یکی از باورهای مردم ایران ارزش نهادن به زندگی شخصی و حرمت آن و نیز عزت نفس ایرانیان بوده که این امر به گونه‌ای معماری ایران را درون‌گرا ساخته است (پیرنیا و معماریان، ۱۳۸۶: ۳۵-۳۶). شاید بتوان درون‌گرایی را بارزترین مشخصه رعایت سلسله مراتب دانست و یا آن را ثمره محرمیت قلمداد کرد.

ضمن آنکه توجه به آیه شریفه ۸۶ سوره مبارکه نمل نشان می‌دهد که علاوه بر اهمیت مسکن (به طور عام) تأمین شرایط مناسب آن در شب نیز اهمیت خاص دارد. موضوع مسکن و تأمین آن در شهر اسلامی با سازوکارهایی همچون اختصاص دادن زمین وقفی برای مساکن افراد بی‌بضاعت و هم چنین در استطاعت بودن آن تا حدودی حل گشته بود.

- عدم تفکیک فضای شهر و عدالت فضایی: عدم تفکیک طبقات اجتماعی - اقتصادی از خصیصه‌های بارز محله‌های شهر اسلامی است؛ به طوری که فقیر و غنی در محله‌ای مشترک زندگی می‌کنند (خیرآبادی، ۱۳۷۶: ۱۰۷). همزیستی گروه‌های قومی و مذهبی و هم چنین مردمی از طبقات مختلف اجتماعی - اقتصادی در کنار یکدیگر از ویژگی‌های منحصربه‌فرد شهر اسلامی است. در زمینه مقولات کالبدی شهر نیز فضاها به گونه‌ای استقرار یافته بودند که هیچ‌یک از نیازها و موقعیت‌ها نقش اخلاقی، معنوی و الهی را خدشه‌دار نمی‌ساختند. روابط بنیادی در شهر به گونه‌ای بود که انسانیت و معنویت را در میان ساکنان آن به وجود می‌آورد و هرگونه تبعیض فضایی، اقلیمی که با روح عدالت و تقسیم منابع و امکانات مغایرت داشت، منتفی می‌گردید (غنی‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۰۲-۲۰۴). علاوه بر آن در مقیاس خرد، مرکز هر محله، علاوه بر تأمین نیازهای معنوی و دوره‌ای اهالی، همواره به عنوان فضایی برای تجمع و گذران اوقات فراغت اهالی محله به شمار می‌رفت.

شُوبًا وَقَبَائِلَ لَتَعَارِفُوا إِنَّا كَرَّمَكُم عِنْدَ اللَّهِ أَنْتَ كُمْ» (حجرات/۱۳)؛ ای مردم! ما شما را به صورت زن و مرد آفریدیم و شما را گروه گروه گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید. بدون شک بهترین و گرامی‌ترین شما نزد خدا با تقواترین شماست، علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌نویسد: «اگر شمول آیه را بپذیریم، قرآن همه اختلافات طبقاتی را که موجب تفاخر می‌شود نفی کرده است و هیچ انسانی بر دیگری برتری ندارد مگر به تقوا (طباطبایی، ۱۳۷۵). با استناد به متون تاریخی، می‌توان گفت که در شهر اسلامی از همان اوایل، مسلمان و نامسلمان در محیط کسب‌وکار و هم چنین سکونت همواره در کنار یکدیگر زندگی می‌کردند. در این شهرها، در بیش تر موارد قانون محوری (قانون و فقه با منشأ الهی) حاکم بود و قاضی دادمند بدون هیچ تعصبی بین طرف‌های دعوی، داوری می‌کرد.

- سلامت: اسلام چون سلامتی را نیاز اساسی و ضامن بقای نسل آدمی می‌داند، راهکارهای فراوانی برای حفظ و تأمین آن پیش روی بشر قرار می‌دهد. در آموزه‌های دینی به صدها رهنمود در زمینه تغذیه، خواب، آمیزش جنسی، کار و محیط برمی‌خوریم که در پی کشاندن انسان به سوی سلامت فردی است. علاوه بر این، رهنمودهای فراوانی درباره سلامت روانی، روحی، خانوادگی، اجتماعی و... وجود دارد که گویای جامع‌نگری اسلام به موضوع سلامت است. علاوه بر احکام و فرایض دینی که موجبات ارتقای سلامت را فراهم می‌آورد محیط ساخته شده شهر اسلامی نیز به گونه‌ای بود که علاوه بر داشتن هوایی پاک و مطبوع، زمینه‌های افزایش فعالیت بدنی و تناسب‌اندام (از جمله به‌واسطه دسترسی پیاده) را فراهم می‌آورد.

۳- در عرصه چالش‌های فرهنگی

- هویت و فرهنگ منحصربه‌فرد: اگرچه در بخش چالش‌های فرهنگی اشاره شد که جهانی‌شدن در بیش تر موارد روندی برای همگن‌سازی شیوه‌های زندگی است، با این حال، «اکنون این آگاهی و شناخت در حال رشد است که ویژگی‌های قلمرویی خاص هر کشور و منطقه، حائز اهمیت است (مرکز سکونتگاه‌های انسانی سازمان ملل، ۲۰۰۱: ۱۱۹). در شهر اسلامی، همزیستی گروه‌های قومی و نژادی در کنار یکدیگر حاکی از تکثرگرایی فرهنگی و احترام به فرهنگ‌های مختلف است. هر شهر پر از گنبد و مناره‌ای، شهر اسلامی نیست، این تجلی اندیشه‌ها و اعتقادات اسلامی شهروندان در سیمای شهر است که هویت آن را نشان می‌دهد. در واقع رویکرد اسلام به شهرنشینی و شهرسازی، رویکردی فرهنگی است.

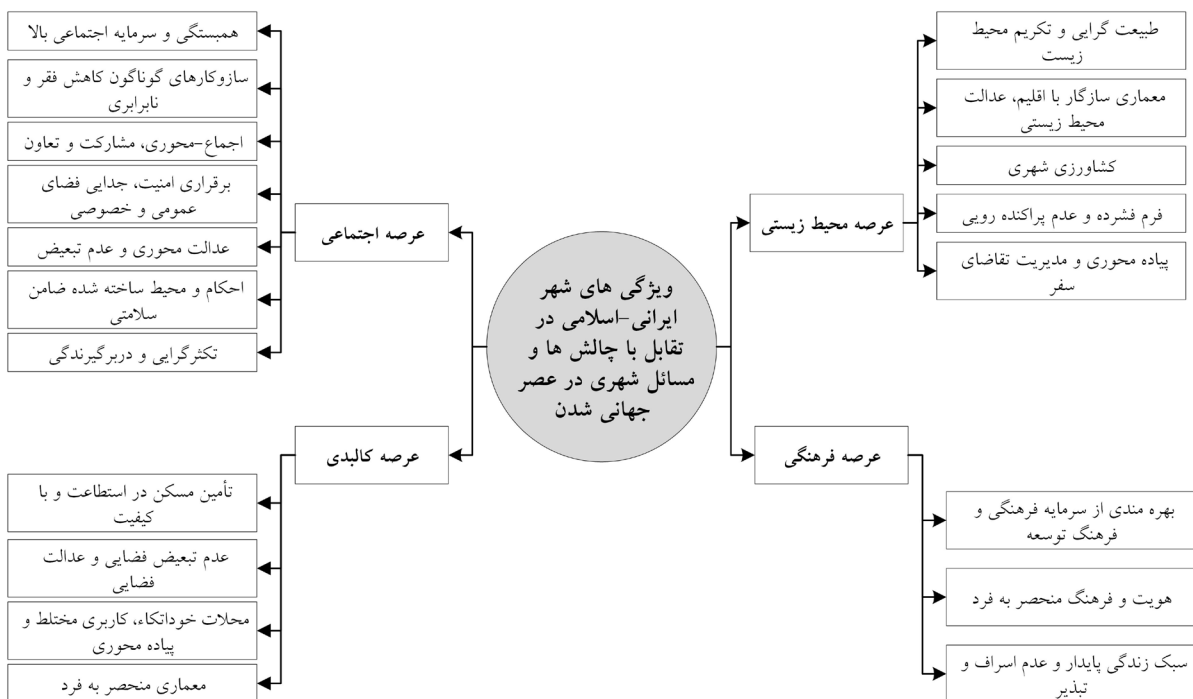
- مصروف‌گرایی: اسلام دینی است که برای همه زوایای زندگی بشر برنامه دارد و تعادل در همه امور را به پیروان خود توصیه می‌نماید، از طرفی، استفاده مشروع از نعمت‌های الهی و زیبایی‌های زندگی را جایز دانسته و از سویی دیگر، اسراف و زیاده‌روی و ضایع نمودن نعمت‌ها را حرام و ناروا می‌داند. قرآن می‌فرماید: «وَآتَاكَ الْقُرْآنُ حَقَّهُ وَالْمُسْكِينُ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا، إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا»؛ (اسراء/ ۲۶-۲۷)

محله‌های خوداتکا، توسعه اجتماع، کاربری مختلط و پیاده‌محوری:
 وجود محله‌های شهری دارای وحدت از نظر کالبدی- فضایی و برخورد از استقلال نسبی از نظر عملکردی بوده که گروهی متجانس از مردم، خانه‌های آنها و مراکز تأمین خدمات اولیه زندگی آنها را در خود جای داده است. شهر یزد را می‌توان از جمله شهرهایی با این ویژگی‌ها دانست. در این شهر هر محله واحدهای همگانی مورد نیاز مردم آن محل را تأمین می‌کند. از جمله این واحدها شامل آب‌انبار، مسجد، بازارچه، میدان، حسینیه، حمام و گاهی قهوه‌خانه است (مشهدی زاده دهاقانی، ۱۳۸۵: ۳۲۹). اجزای محله را منازل مسکونی، بن‌بست‌ها، کوچه‌ها و بالاخره تاسیسات عمومی مرکز محله تشکیل می‌دادند عناصر مورد نیاز در سطح شهر به صورت یکنواخت پراکنده‌گی داشت و دارای حوزه نفوذ و عملکرد محدودی بود که آخرین نقطه نفوذ و حیطه عملکرد این عناصر را مرز محله تشکیل می‌داد (دانشپور و شیر، ۱۳۹۴: ۲۱). چنین طرحی از فرم محله در برگرفته کاربری‌های مختلط و ایجاد پیاده‌محوری در مقیاس محلی است که سبب همبستگی و پیوندهای اجتماعی گردیده است. هم چنین فضاهای ارتباطی بافت قدیم در اکثر نقاط خود دارای سوابق‌هایی بودند که عابر پیاده را از آزار آفتاب و گرمای سوزنده روز تابستان و باد سرد و سرمای سخت زمستان تا حدی در امان نگه می‌داشت.

شهر اسلامی مجموعه‌ای از محله‌های نامتجانس است که در آن ساکنان با زبان خاص، اشتغال، مذهب و خاندان خاص زندگی می‌کنند؛ هر محله شهر کوچکی (محله‌ای خوداتکا) است با خدماتی از جمله حمام، مسجد، نانوا، بازار و برخی عناصر دیگر (ترکیب کاربری‌ها) که در سراسر شهر یافت می‌شود

(Rappoport, 1977: 251-252). این ویژگی‌ها به همراه شکل فشرده و مترکم و با مقیاس انسانی، موجب ارتقای پیاده‌محوری می‌گردید؛ یعنی ضمن خلق محیطی مطبوع برای حرکت پیاده (با عنوان پایدارترین شیوه حمل‌ونقل جهان) از پراکنده‌رویی و نابودی فضاهای باز و زمین‌های کشاورزی نیز جلوگیری می‌کرد. بدون شک چنین محله‌هایی می‌توانستند نقش چشمگیری در توسعه اجتماع محلی ایفا کنند.

معماری منحصربه‌فرد: بناهای اسلامی نمایانگر باورهای مذهبی، ساختار اقتصادی و اجتماعی، انگیزش سیاسی و حس بصری سنت نافذ و واحد هستند (Michell, 1978). به طور کلی سیمای شهر اسلامی در دو بخش داخلی و خارجی قابل مشاهده است. در بخش خارجی سیمای شهر عبارت بود از: ۱- فضاهای سبز و مزارع و باغات که در حدود سه چهارم محیط شهر را تشکیل می‌دادند. ۲- خط آسمان ۳- عناصر مهم کالبدی و در شناخت سیمای داخلی در درجه اول سردر مساجد، خانه‌ها، آب‌انبارها و بازارها، کاشی کاری‌ها و قوس‌های تزئینی را مشاهده کرد که شهر قدیم بوشهر و دزفول نمونه‌هایی از آن‌اند (مشهدی زاده دهاقانی، ۱۳۸۵: ۲۵۰-۲۵۵). این شهرها هرچند به دلیل شرایط آب و هوایی و محیطی دارای بافت‌های متفاوتی هستند، اما ویژگی درونی مشترکی با یکدیگر دارند؛ به عنوان مثال واحدهای مسکونی اغلب دارای مدخل ورودی L شکل بوده‌اند. هم چنین شبکه معابر و کوچه‌ها در اکثر شهرهای اسلامی برگرفته از عوامل آب و هوایی، دفاعی، زیبایی و عامل اجتماعی بوده است. شبکه معابر در شهرهای مرکزی و جنوبی ایران از جمله یزد، میبد، اصفهان و کرمان متأثر از شبکه‌های آبیاری است (فلامکی، ۱۳۶۸: ۳۳).



نمودار شماره ۳: تقابل شهر اسلامی با چالش‌های شهری هزاره سوم، در عرصه‌های محیط‌زیستی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی؛ مأخذ: نگارندگان

نتیجه گیری

با وجود پیشرفت‌های شگرف در زمینه‌های متعدد در هزاره سوم، باز هم مسائل زیادی در شهرها وجود دارد که هنوز حل نشده باقی مانده‌اند. بر این اساس، در این پژوهش سعی گردید که با چرخش‌گاهی تاریخی و با بازگشت به خویش و خودآیی و احیای ارزش‌های کالبدی، فرهنگی و فکری شهر ایرانی-اسلامی، بتوانیم رهیافت‌های بدیلی برای برون‌رفت از چالش‌های شهری هزاره سوم بیابیم. نتایج (رک. نمودار شماره ۱) نشان داد که شهرهای جهان و به‌ویژه شهرهای قلمرو سرزمین‌های اسلامی و به عبارتی، شهرهای ایرانی-اسلامی، با چالش‌های عظیمی از جمله روند بسیار سریع رشد جمعیت شهری، افزایش شدید فقر و فاصله طبقاتی، حاشیه‌نشینی، سکولاریسم، سبک زندگی ناپایدار، بحران هویت و نابودی فرهنگ‌ها، کاهش سلامت عمومی، گسیختگی اجتماعی، بزهکاری و رواج فرهنگ مصرف‌گرا، تغییرات اقلیمی، نابودی منابع، بحران آب، غذا و انرژی، خلق شهر تقسیم‌شده و تبعیض و بی‌عدالتی شهری مواجه است. در این میان، آن گونه که نمودار شماره ۳ نشان می‌دهد، شهر ناب ایرانی-اسلامی (شهری که علاوه بر داشتن فضای عادلانه و مناسب زیست انسان مؤمن، احکام و فرایض دینی در آن جاری است)، از ویژگی‌های منحصربه‌فردی از جمله محلات خوداتکا با کاربری مختلط و پیاده‌محور، عدم تفکیک فضایی، طبیعت‌گرایی، تنوع‌گرایی، مسکن مناسب و در استطاعت، معماری خاص و سازگار با اقلیم، عدالت فضایی و محیط‌زیستی، امنیت پایدار، مشارکت و همبستگی اجتماعی، تکثرگرایی، اجتناب از زیاده‌روی و اسراف و جاری بودن سنت‌ها و احکام گوناگون، تقلیل و ریشه‌کن کردن فقر برخوردار است که می‌تواند در اغلب موارد در برخورد با چالش‌های شهری هزاره سوم موفق عمل نماید.

پی‌نوشت‌ها

1. New Urbanism
2. Smart growth
3. Healthy city

۴. دینار طلا در قرن ۸ تا ۱۰ میلادی وضعیتی همچون دلار کنونی را داشت.

۵. «شهرجهانی» بسیار پیش‌تر از غرب در آسیا و به‌ویژه در خاورمیانه پدیدار شده بود (Sassen, 2000: 22).

6. Max Weber
7. Snouck Hurgronje
8. William Marcáis
9. E. Wirth, A. Hourani and Von Grunebaum
10. Marçais
11. William and Georges
12. Louis Massingnon
13. William Marcáis
14. E. Ashtor-Strauss
15. Claude Cahen

16. Ira Lapidus
17. Janet Abu-Lughod
18. Eugen Wirth
19. Dale Eickelman
20. Marketization

۲۱. به بیانی دیگر از هر هشت نفر در جهان، یک نفر از گرسنگی مرنج می‌برد.
۲۲. باغ شهرهای سمرقند و اصفهان در دوره شاه عباس اول صفوی.

فهرست منابع و مراجع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. اهلرژ، اکارت (۱۳۷۳)، «شهر شرق اسلامی- مدل و واقعیت»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ترجمه و ویرایش محمد حسن ضیاء توانا و مصطفی مومنی، شماره ۱، سال نهم.
۴. بمانیان، محمدرضا (۱۳۹۳)، «معنا و مفهوم‌شناسی شهر ایرانی-اسلامی؛ مبانی نظری و مصداق‌ها»، شهر پایدار، دوره ۱، شماره ۱.
۵. بیومونت، پتر، بلینگ، جرالد و واک استاف، مالکوم (۱۳۶۹)، خاورمیانه، ترجمه محسن مدیر شانه‌چی، گروه بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد.
۶. پوراحمد، احمد و موسوی، سیروس (۱۳۸۹)، «ماهیت اجتماعی شهر اسلامی»، فصلنامه شهر ایرانی-اسلامی، شماره دوم، صص ۱-۱۰.
۷. پیرنیا، محمد کریم و معاریان، غلامحسین (۱۳۸۶)، سبک‌شناسی معماری ایرانی، چاپ پنجم، انتشارات سروش دانش، تهران.
۸. توسلی، محمود (۱۳۹۱)، ساخت شهر و معماری در اقلیم گرم و خشک ایران، ویراست دوم، انتشارات تندیس نقره‌ای.
۹. خیرآبادی، مسعود (۱۳۷۶)، شهرهای ایران، ترجمه حسین حاتمی‌نژاد، نیکا، تهران.
۱۰. دانتون، مارتین (۱۳۸۳)، مفهوم اجتماعی مکان؛ شهر در غرب و جهان اسلام، ترجمه مهدی افشار، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
۱۱. دانشپور، عبدالهادی و شیرینی، الهام (۱۳۹۴)، «عناصر کالبدی - کاکردی شکل‌دهنده به هویت بافت‌های تاریخی شهر ایرانی - اسلامی»، فصلنامه نقش جهان، شماره ۱-۵، صص ۱۷-۲۵.
۱۲. رحیمی، حسین (۱۳۸۳)، «در جستجوی شهر اسلامی پایدار»، فصلنامه پیک نور، شماره ۱۸، تابستان ۸۳.
۱۳. سلطان‌زاده، حسین (۱۳۶۵)، تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، چاپ اول، انتشارات نشرآبی، تهران.
۱۴. شکویی، حسین (۱۳۷۴)، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، جلد اول، چاپ اول، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، تهران.
۱۵. شورت، زنا، جان و یونگ، هیون کیم (۱۳۹۳)، جهانی‌شدن و شهر، ترجمه دکتر احمد پوراحمد و شایان (قهرمان) رستمی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۱۶. صرافی، مظفر، توکلی‌نیا، جمیله و محمدیان مصمم، حسن (۱۳۹۳)، اندیشه‌های نو در برنامه‌ریزی شهری، چاپ اول، قدیانی، تهران.
۱۷. طباطبایی، محمدرحیم (۱۳۷۵)، المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، جلد ۱۸، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، قم.
۱۸. غنی‌زاده، مسعود (۱۳۸۵)، «نگاهی به شهر در تمدن اسلامی»، مجله راهبرد توسعه، شماره هفتم، صص ۱۹۷-۲۱۰.
۱۹. فلاسکی، منصور (۱۳۶۸)، «سازماندهی فضای کالبدی شهرهای ایران»، فصلنامه معماری و شهرسازی، شماره ۵، صص ۲۹-۳۵.

38. Icibaci, L., & Haas, M. (2011). Material City: Towards Sustainable Use of Resources. In Sustainable Urban Environments (pp. 203-177). Springer Netherlands.
39. Issa, N. S. C., & Al Abbar, S. D. (2015). Sustainability in the Middle East: achievements and challenges. *International Journal of Sustainable Building Technology and Urban Development*, 38-34, (1)6.
40. Nematollahi, O., Hoghooghi, H., Rasti, M., & Sedaghat, A. (2016). Energy demands and renewable energy resources in the Middle East. *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 1181-1172, 54.
41. Antonelli, M., & Tamea, S. (2015). Food-water security and virtual water trade in the Middle East and North Africa. *International Journal of Water Resources Development*, 342-326, (3)31.
42. Ncube, M., Anyanwu, J. C., & Hausken, K. (2014). Inequality, economic growth and poverty in the Middle East and North Africa (MENA). *African Development Review*, 453-435, (3)26.
43. Alnajjar, A. A. (1996). Adolescents' perceptions of family functioning in the United Arab Emirates. *Adolescence*, 433, (122)31.
44. El-Haddad, Y. (2003). Major trends affecting families in the Gulf countries. *Major Trends Affecting Families: A Background Document*, 222.
45. Ono, T., Guthold, R., & Strong, K. (2005). WHO global comparable estimates. Unpublished work.
46. International Diabetes Federation. *IDF Diabetes Atlas*, 6th edition. Brussels, Belgium: International Diabetes Federation, (2013), Available from: <http://www.idf.org/diabetesatlas>.
47. United Nations Development Programme (UNDP) (2011). *Engaging with the Urban Poor and Their Organizations for Poverty Reduction and Urban Governance*.
48. United Nations Development Programme (UNDP) (2006). *Human Development Report 2006 – Beyond Scarcity: Power, Poverty and the Global Water Crisis*, New York: United Nations Development Programme.
49. United Nations Office on Drugs and Crime (2010). *The Globalization of Crime: A Transnational Organized Crime Threat Assessment*.
50. World Bank (1996). *Liveable Cities for the 21st Century*, Washington: World Bank.
51. UN (2008). *UN: 50 Percent More Food Needed by 2030*, Associated Press, MSNBC, June 3rd 2008.
52. FAO, (2009). *How to Feed the World in 2050*, Rome on 13-12 October 2009.
53. Barlow, M. and T. Clarke (2002). *Blue Gold, The Fight to Stop the Corporate Theft of the World's Water*. New York: The New Press.
54. FAO, IFAD and WFP (2013). *The State of Food Insecurity in the World 2013, The Multiple Dimensions Of Food Security*. Rome, FAO.
55. Burney, J.A. S.J. Davis, and D.B. Lobell. (2010). *Greenhouse Gas Mitigation by Agricultural Intensification*, P. Natl. Acad. Sci. USA 12057-107:12052.
56. Conca, K. (2006). *Governing Water, Contentious Transnational Politics and Global Institution Building*, Cambridge, MA: MIT Press.
۲۰. گل محمدی، احمد (۱۳۸۱)، **هویت ملی و جهانی شدن**، نشر نی، تهران.
۲۱. محمدی، جمال، شیخ بیگلر، رعنا (۱۳۸۷)، «کارایی شهر اسلامی در مواجهه با چالش‌های شهری امروز»، **نخستین همایش ملی آرمان شهر اسلامی**، دانشگاه اصفهان.
۲۲. مرتضی، هشام (۱۳۸۷)، **اصول سنتی ساخت و ساز در اسلام**، ترجمه ابولفضل مشکینی و کیومرث حبیبی، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
۲۳. مرکز سکونتگاه‌های انسانی سازمان ملل (۲۰۰۱)، **شهرها در فرآیند جهانی شدن**، گزارش جهانی سکونتگاه‌های انسانی، ترجمه رضا پورخرمند و دیگران، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهری تهران، تهران.
۲۴. مشهدی زاده دهاقانی، ناصر (۱۳۸۵)، **تحلیلی از ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران**، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران.
۲۵. مومنی، مصطفی (۱۳۷۸)، «نظری بر شهرشناسی جغرافیایی شهرهای ایرانی - اسلامی»، **مجله نمایه**، شماره ۹.
26. Rappoport Amost (1977). *Human Aspects of Urban Form: Towards a Man Environment Approach to Urban Form and Design*, Published May 1st 1977 by Pergamon (first published 1977).
27. Michell, G. et al. (1978). *Architecture of the Islamic World: Its History and Social Meaning*, Thames and Hudson, London.
28. du Gay, Paul. (1996). *Consumption and Identity at Work*, SAGE Publications Ltd.
29. Oncu, A, Weyland, P. (1997). *Space, Culture, and Power: New Identities in Globalizing Cities*, London and New Jersey: Zed Books, pp. 2-1.
30. Lapidus, I. M. (1984). *Muslim cities in the later Middle Ages*, Cambridge, MA: Harvard University Press.
31. Ibin, Taymiya (1983), *Public Duties In Islam: The Institution Of The Hisba*, Translated From Arabic By Muhrar Holland, Leicester, The Islamic Foundation.
32. Mosammam, H. M., Nia, J. T., Khani, H., Teymouri, A., & Kazemi, M. (2016b). *Monitoring land use change and measuring urban sprawl based on its spatial forms: The case of Qom city*. *The Egyptian Journal of Remote Sensing and Space Science*.
33. Strange, Susan (1996). *The Retreat of the State: The Diffusion of Power in the World Economy*, Cambridge University Press.
34. Mosammam, H. M., Mosammam, A. M., Sarrafi, M., Nia, J. T., & Esmailzadeh, H. (2016a). *Analyzing the potential impacts of climate change on rainfed wheat production in Hamedan Province, Iran, via generalized additive models*. *Journal of Water and Climate Change*, 223-212, (1)7.
35. Bailey, K., (1994), *Methods of Social Research*, Fourth Edition, New York: The Free Press.
36. Held, D. & McGrew, A. (2002). *Globalization and Anti-Globalization*, Oxford: Blackwell Publishing.
37. Robertson, Roland (1996). *Globalization: Social Theory and Global Culture*, London: Sage.

57. Gleick, P.H, Wolf, G. Chalecki, E.L. and Reyes, R. (2002). The New Economy of Water: The Risks and Benefits of Globalization and Privatization of Fresh Water, Oakland: Pacific Institute for Studies in Development, Environment, and Security.
58. Gleick , P.H. (2003). The World's Water, 2003-2002, Washington: Island Press.
59. Weber, Max. (1966) The City. Translated by D. Martindale and G. Newirth. New York: Free Press,
60. YILDIZ, Ş. (2011). What Does Make a City Islamic?. International Journal of Business and Social Science, 201-199 ,(8)2.
61. Pinto, K. (2014). Routes and Realms: The Power of Place in the Early Islamic World. Islam and Christian-Muslim Relations, 544-542 ,(4)25.
62. Aldous, G. (2013). The Islamic City Critique: Revising the Narrative. Journal of the Economic and Social History of the Orient, 493-471 ,(3)56.
63. Çelik, Z. (1999). New Approaches to the" Non-Western" City. Journal of the Society of Architectural Historians, 381-374 ,(3)58.
64. Abu-Lughod, J. L. (1987). The Islamic city–Historic myth, Islamic essence, and contemporary relevance. International Journal of Middle East Studies,,(02)19 176-155.